

تاج السلطنه دختر منتقد قاجاريه+عكس

۲۰ شهریور ۱۳۹۴ ساعت ۱۷:۱۴

در دوران پادشاهی تاریخ ایران بی شک «مرگ» عاقبت اکثر کسانی بوده که به «نقد» شاهان می پرداخته اند. در دوره قاجار هم چونان دوران پیشین این عقوبت گریبانگیر بسیاری از رجال سرشناس و منتقد حکومت بوده است. قائلان مقام فراهانی، امیرکبیر و... از جمله کسانی هستند که در زمان های مختلف سر در راه نقد گذاشتند و آزادمردانه مرگ را به جان خریدند.

در این میان اما زنان تقریباً بی نصیب مانده اند و این عدم توفیق به عدم حضور سیاسی و اجتماعی زنان در عرصه های مختلف بازمی گردد. زنان عموماً تریبونی در اختیار نداشتند تا بتوانند به وسیله آن آرا و عقاید خود را به گوش دیگران برسانند. پس اگر چنین نگاه نقادانه ای هم در میان آنان وجود داشت بیشتر به محافل زنانه و گپ ها و مراسم چای و قلیان عصرگاهی خلاصه می شد.

از مطرح ترین زنان منتقد دوره قاجار می توان به تاج السلطنه دختر ناصرالدین شاه اشاره کرد. از تحصیلات تاج السلطنه اطلاع دقیقی در دست نیست. اما خاطراتی که از او باقی مانده حکایت از سطح آموزش و مطالعه او دارد. مطالعه آثار ویکتور هوگو و ژان ژاک روسو و آشنایی با افکار و عقاید بیسمارک باعث رشد فکری او در حوزه های سیاسی- اجتماعی شده و به همین دلیل وی را تبدیل به یکی از منتقدین اصلی حکومت کرده است.

تاج السلطنه در سال ۱۳۰۱ ق به دنیا آمد. مادرش توران السلطنه دختر عموی شاه زنی مومن و دیندار بود اما با وجود همه تعاریفی که تاج السلطنه از او کرده وی اولین کسی است که مورد نقد دخترش قرار می گیرد. هر چند تاج السلطنه مقصر اصلی را مادر نمی داند و اخلاق حکومتی می داند که راه سعادت را به روی همه زنان بسته و آنان را در جهل و بی اطلاعی نگاه داشته است. بی شک این نگاه تلخ تاج السلطنه از رسم سپردن اطفال به دایه و دوری از مادر نشأت می گیرد که شامل او نیز بوده است.

در واقع دم تیز قلم تاج السلطنه ابتدا متوجه مادر و زنان هم عصر خویش است. او مهم ترین بدبختی زنان را در عدم شناخت و درک حقوق شان می داند و گوشه خانه نشستن و خنده و حرافی را تنها هنر زنان هم نسل خود برمی شمرد. از این رو خاطرات تاج السلطنه بیشتر به نقد یک دوره پراقتقاد تاریخی به نام قاجار می ماند که حتی پدر- شاه هم از آن بری نیست.

اعمال و رفتار پدر همیشه زیر ذره بین دختر بوده و بخش های بسیاری از خاطرات وی به بررسی مسائل و مشکلات رفتاری و کرداری پدر اختصاص یافته است. او عمده مشکلات داخلی مملکت را در عدم کفایت شاه و پرداختن او به لذایذ دنیوی می داند و تاکید دارد که اگر شاه چنین رفتار کودکانه ای نداشت وضع مملکت به گونه ای دیگر بود. اما بیشترین انتقاد تاج السلطنه مربوط به حکومت داری و رفتار برادرش مظفرالدین شاه است.

او برادر خود را فردی نالایق، بی خبر، بدون عزت نفس، نادان و عشرت طلب می داند و هر کجا فرصتی دست داده شاه را مورد نکوهش قرار داده و مسافرت های بی مورد و وام های بی دلیل و پیشکاران نالایق و فرصت طلب مظفرالدین شاه را به باد انتقاد گرفته و از نسبت دادن بدترین القاب به نزدیکان شاه دریغ نکرده است.

تاج السلطنه یکی از زیباترین توصیفات را درباره حکومت مظفرالدین شاه دارد که بسیار جالب توجه است: «صدراعظمی و وزارت در دوره سلطنت برادر عزیز من خیلی شبیه به تعزیه شده بود که دقیقه به دقیقه تعزیه خوان رفته، لباس عوض کرده برمی گردد. این برادر عزیز من به حرف یک بچه دوساله یک صدراعظمی را فوراً معزول و به حرف یک مقلدی یک وزیر را سرنگون می کرد.»

وی همچنین درباره مشروطه نیز تعریف مهمی دارد: «معنی مشروطه عمل کردن به شرایط آزادی و ترقی یک ملت بدون غرض و خیانت، تکلیف هر ملت ترقی خواهی استرداد حقوق او است. حقوق خود را به چه قسم می تواند مسترد دارد؟ در موقعی که مملکت مشروطه در تحت یک «رگلمان» صحیحی باشد ترقی از چه تولید می شود؟ از قانون. قانون در چه موقعی اجرا می شود؟ در موقعی که این استبداد برچیده شود. پس از این روی مشروطه بهتر از استبداد است.»



جوان و تاريخ

تاج السلطنه از کودکی به آموختن موسیقی، نقاشی، زبان فرانسه، مطالعات ادبیات، تاریخ و فلسفه دل بست و همواره از منتقدان عصر خود به شمار می رفت.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۳۱۵۰۹/تاج-السلطنه-منتقد-دختر-تاج-۳۱۵۰۹>